



قانون اساسی جمهوری ایران (پیشهادی)

تدوین کنندگان

دکتر محمود رزاقی - محمدرضا علی جانی - دکتر محبوبه ارشادی -
حمیدرضا عادلی - زیبا سرخوش (حقوق دان) - هانیک آوانسیان -
دکتر آذر ترابی - مهندس فرهاد سمائی - ژیل کلهر - رضا محمدی

۲۸ شهریور ماه ۱۳۸۲

قانون اساسی جمهوری ایران

(پیشنهادی)

پیش گفتار

برای تحقق دموکراسی و تعمیق و گسترش حاکمیت ملی، که اساس آن شرکت و نظارت مردم در امور مربوط به مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زندگی خویش می باشد. جمهوری ایران بر اساس عدم تمرکز قدرت استوار خواهد بود. بدیهی است این عدم تمرکز قدرت در چارچوب تمامیت ارضی ایران و الویت مصالح ملی نسبت به مصالح محلی خواهد بود. اما رفع تضییقات و محرومیت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران که در طیف های مختلف نژادی، زبانی و مذهبی و در زمینه های متنوع سنن و آداب ملی و قومی در سرزمین ایران زندگی می کنند، ایجاب می کند که مردم و ایالات و ایالات ایران با حداکثر امکانات مطلوب در اداره امور محلی و منطقه ای خود شرکت نموده و در تصمیم گیری ای مربوط به شرایط زندگی از طریق بنیادهای انتخابی خود سهیم و ناظر باشند.

فصل اول - اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری مبتنی بر پارلمانی و بر اساس تفکیک قوای سه گانه و تضمین حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل تناوب قدرت و انتخابی بودن سران کشور و دولت و همچنین بر اساس جدایی دین و مسلک از حکومت می باشد.

اصل دوم

دولت جمهوری ایران موظف است همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد:

۱. بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه های گروهی و وسائل دیگر.
۲. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۳. تقویت روح بررسی و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی و فرهنگی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۴. طرد کامل استعمار و جلوگیری از دخالت و نفوذ بیگانگان.
۵. محو هر گونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی.
۶. تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی در چارچوب قانون.
۷. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۸. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی.
۹. ایجاد نظام اداری سالم و حذف تشکیلات غیر ضرور.
۱۰. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور.
۱۱. ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه.
۱۲. تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت، کشاورزی و امور نظامی.
۱۳. توسعه و تحکیم تعاون عمومی در بین تمامی آحاد مردم.

اصل سوم

در جمهوری ایران امور کشور باید با اتکا به آرا عمومی (انتخابات) اداره شود. انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای ملی و نظایر آن یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.

اصل چهارم

مجلس شورای ملی، شوراهای استان، شهر، محل، بخش و روستا از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل پنجم

در جمهوری ایران آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مصرح شده در این قانون، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب نماید.

اصل ششم

در جمهوری ایران دین رسمی وجود ندارد و تمامی ادیان و فرقه‌های مذهبی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند.

فصل دوم - زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور**اصل هفتم**

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل هشتم

تاریخ رسمی جمهوری ایران هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل نهم

پرچم رسمی جمهوری ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ است و هیچگونه نشان و علامتی در پرچم وجود ندارد.

فصل سوم - حقوق ملت**اصل دهم**

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل یازدهم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردارند.

اصل دوازدهم

دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات تضمین نموده و موارد زیر را در همین انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت از مادران بویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت کامل مادی و معنوی از کودکان بی سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح ویژه خانواده
۴. ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده
۵. واگذاری حق سرپرستی به مادران

اصل سیزدهم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل چهارم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل پانزدهم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به نظم اجتماعی یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل شانزدهم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و پست الکترونیکی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس در امور دیگران اکیدا ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و دینی آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و اساس جمهوری ایران را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل هیجدهم

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح مشروط بر اینکه مخل به نظم عمومی نباشد، آزاد است.

اصل نوزدهم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

اصل بیستم

بر خورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق‌الذکر را برای یک یک افراد کشور تامین کند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است و سائل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه را فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

اصل بیست و دوم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندتر بخصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل بیست و سوم

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر میدارد.

اصل بیست و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.

اصل بیست و پنجم

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها

امکانات تعیین و کیل فراهم گردد.

اصل بیست و ششم

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و بموجب قانون باشد.

اصل بیست و هفتم

اصل بر برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل بیست و نهم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت یا اقرار مجاز نیست و چنین اقراری فاقد ارزش و اعتبار است.

اصل سی ام

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

اصل سی و یکم

هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل سی و دوم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل سی و سوم

اتباع خارجی می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه افراد در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم - اقتصاد و امور مالی

اصل سی و چهارم

برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد کشور جمهوری ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱. تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای آحاد ملت.
۲. تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند و لی وسائل کار ندارند، در اشکال تعاونی، وام بدون بهره و دیگر اشکال که نه به تمرکز ثروت در دست افراد و گروه های خاصی منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.
۵. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
۶. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانگان بر اقتصاد کشور.
۷. تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند.

اصل سی و پنجم

نظام اقتصادی جمهوری ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش خصوصی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، هواپیمایی، کشتیرانی، و امثالهم. بخش دولتی شامل معادن بزرگ، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و آن قسمت از کشاورزی،

دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌باشد که مکمل فعالیت‌های اقتصادی خصوصی و تعاونی است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا تشکیل می‌شود. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قانون خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد، مورد حمایت قانون جمهوری ایران است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل سی و ششم

ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون میراث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار دولت جمهوری ایران است تا بر طبق مصالح عمومی نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل سی و هفتم

هر کس مالک حاصل کسب و کار خویش است و هیچکس را نمی‌توان به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل سی و هشتم

مالکیت شخصی به حکم قانون محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل سی و نهم

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی و سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، بطوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهلم

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از رشوه، اختلاس، سواستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش اموال عمومی و سایر موارد را گرفته و به خزانه عمومی واریز نماید. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق کامل به وسیله دولت اجرا شود.

اصل چهلم و یکم

در جمهوری ایران، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل چهلم و دوم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر بموجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی بموجب قانون مشخص می‌شود.

اصل چهلم و سوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای ملی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل چهلم و چهارم

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانهداری کل متمرکز می‌شود و همه پراخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب بموجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل چهلم و پنجم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای ملی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در مرکز و مراکز استان‌ها بموجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل چهل و هشتم

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که بنحوی از انحای بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر میدارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای ملی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن**اصل چهل و هفتم**

قوای حاکم در جمهوری ایران عبارتند از: قوه مقننه (قانون‌گذاری)، قوه مجریه (اجرایی) و قوه قضائیه (عدالت) بوده و این سه قوه مستقل از یکدیگر می‌باشند.

اصل چهل و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی می‌شود که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل چهل و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از طریق همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرا عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل پنجاهم

اعمال قوه مجریه از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است.

اصل پنجاه و یکم

اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق قانون تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت پردازد.

فصل ششم - قوه مقننه**مبحث اول - مجلس شورای ملی****اصل پنجاه و دوم**

مجلس شورای ملی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل پنجاه و سوم

دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود بطوریکه کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل پنجاه و چهارم

عده نمایندگان مجلس شورای ملی سیصد و پنجاه نفر است و پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر سی نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. محدوده حوزه‌های انتخاباتی و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل پنجاه و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای ملی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی موضوع خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل پنجاه و ششم

ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آئین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان، انتخابات مناطق اشغال شده یا تمامی کشور برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل پنجاه و هشتم

مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو، تلویزیون و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. گزارش و مصوبات این نوع جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر شود.

اصل پنجاه و نهم

رئیس جمهور و معاونان وی و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزرا مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای ملی**اصل شصتم**

مجلس شورای ملی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل شصت و یکم

مجلس شورای ملی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد.

اصل شصت و دوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای ملی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که حقوق دانان از قوانین می‌کنند، نیست.

اصل شصت و سوم

لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای ملی قابل طرح است.

اصل شصت و چهارم

طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تامین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل شصت و پنجم

مجلس شورای ملی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل شصت و ششم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل شصت و هفتم

هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، بشرط آنکه یکطرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای ملی برسد.

اصل شصت و هشتم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در شرایط جنگی و اضطرابی و نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای ملی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتیکه ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل شصت و نهم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

اصل هفتادم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان، با کسب مجوز از سوی مجلس شورای ملی بلامانع است.

اصل هفتاد و یکم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای ملی.

اصل هفتاد و دوم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای ملی آنهم در صورتیکه از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هفتاد و سوم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هفتاد و چهارم

سمت نمایندگی در مجلس شورای ملی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل شصت و یکم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید بصورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای ملی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل شصت و یکم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول قانون اساسی مغایرت داشته باشد. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفتاد و پنجم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد.

اصل هفتاد و ششم

رئیس جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رای اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.

اصل هفتاد و هفتم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای ملی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد

رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تاخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

اصل هفتاد و هشتم

۱. نمایندگان مجلس شورای ملی می توانند در مواردی که لازم میدانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رای اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را میدهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رای عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رای اعتماد ندهد، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می شود، عضویت پیدا کنند.

۲. در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای ملی، رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرائی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رای دهند، رئیس جمهور به همراه هیئت وزیران از مقام خود عزل می شود.

اصل هفتاد و نهم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای ملی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

فصل هفتم - شوراهای

اصل هشتادم

برای پیشبرد سریع برنامه های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره هر روستا، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورائی بنام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و حدود و وظائف و اختیارات و نحوه انتخابات و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی جمهوری ایران و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می کند.

اصل هشتاد و یکم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استانها مرکب از نمایندگان شوراهای استانها تشکیل می شود. نحوه تشکیل و وظائف این شوراهای را قانون معین می کند.

اصل هشتاد و دوم

شورای عالی استانها حق دارد در حدود و وظائف خود طرح هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل هشتاد و سوم

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می شوند در حدود اختیارات شوراهای ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل هشتاد و چهارم

تصمیمات شوراهای نباید مغایر با قانون اساسی جمهوری ایران باشد.

اصل هشتاد و پنجم

انحلال شوراهای مجاز در صورت انحراف از وظائف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراهای و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم - قوه مجریه

مبحث اول - ریاست جمهوری و وزرا

اصل هشتماد و ششم

رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد.

اصل هشتماد و هفتم

رئیس جمهور باید تابع ایران و معتقد به مبانی قانون اساسی جمهوری ایران باشد.

اصل هشتماد و هشتم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را قانون معین می کند.

اصل هشتماد و نهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آرا شرکت کنندگان انتخاب می شود. ولی هرگاه در دور نخست هیچکدام از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، برای بار دوم رای گیری انجام می شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آرا بیشتری داشته اند شرکت می کنند، ولی اگر بعضی از نامزدها دارنده آرا بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته اند برای انتخاب مجدد معرفی می شوند.

اصل نودم

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری بر عهده هیئت نظارتی است که قانون معین می کند. انتخابات ریاست جمهوری جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخابات رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین و وظائف ریاست جمهوری را انجام دهد.

اصل نود و یکم

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و مجلس شورای ملی مسئول است.

اصل نود و دوم

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس شورای ملی یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل نود و سوم

رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی اختیار کند. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت ها را به عهده خواهد داشت.

اصل نود و چهارم

امضای عهدنامه ها، مقاله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت ها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی است.

اصل نود و پنجم

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل نود و ششم

رئیس جمهور می تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران نماینده، نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل نود و هفتم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضا می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل نود و هشتم

در صورت فوت، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در مواردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت مجلس شورای ملی اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد، مجلس شورای ملی فرد دیگری را به جای وی منصوب می‌کند.

اصل نود و نهم

رئیس جمهور استعفای خود را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصدم

در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که بموجب اصل نود و هشتم منصوب می‌گردد، وزرا را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رای عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام کرد.

اصل یکصد و یکم

وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رای اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم

ریاست هیئت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئتوزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجرا است. رئیس جمهور در برابر مجلس شورای ملی مسئول اقدامات هیئتوزیران است.

اصل یکصد و سوم

وزرا تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رای اعتماد، مجلس به آنها رای عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند.

استعفای هیئت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تقدیم می‌شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

رئیس جمهور می‌تواند برای وزارت خانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای ملی برای هیئت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.

اصل یکصد و پنجم

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که تصویب هیئت وزیران میرسد، مسئول امور دیگری نیز هست.

اصل یکصد و ششم

علاوه بر مواردی که هیئتوزیران یا وزیری مامور تدوین آئین نامه‌های اجرائی قوانین می‌شود، هیئتوزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری و وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت‌وزیران حق وضع آئین‌نامه و صدور بخش‌نامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تائید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای ملی می‌رسد تا در صورتیکه آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت‌وزیران بفرستد.

اصل یکصد و هفتم

صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت‌وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هشتم

رسیدگی به اتهام رئیس‌جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و نهم

رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و موسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

اصل یکصد و دهم

دارائی رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف قانون، افزایش نیافته باشد.

فصل نهم - قوه قضائیه**اصل یکصد و یازدهم**

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های فردی و اجتماعی.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات مجرمین و اجرای مقررات جزایی.
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و دوازدهم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی، اداری و اجرائی، مجلس شورای ملی یک نفر آگاه به امور قضایی، مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال و عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و سیزدهم

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و یازدهم.

۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری ایران.
 ۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و امثالهم از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و چهاردهم

مرجع رسمی شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و پانزدهم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌گردد.
 رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا بعنوان عالی‌ترین مقام اجرائی پیش‌بینی می‌شود.

اصل یکصد و شانزدهم

دیوان عالی کشور بمنظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و هفدهم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب کند.

اصل یکصد و هیجدهم

صفات و شرایط قاضی را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و نوزدهم

قاضی رانمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است بطور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضایت وی محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر با تصمیم رئیس قوه قضائیه و پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و بیستم

کلیه محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی نظم عمومی باشد یا در دعوای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و بیست و یکم

احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و بیست و دوم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و بیست و سوم

رسیدگی به جرائم مطبوعات علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و بیست و چهارم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و بیست و پنجم

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و بیست و ششم

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق قانون ضامن است و در غیر اینصورت خسارت بوسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و بیست و هفتم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و بیست و هشتم

بمنظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مامورین و واحدها با آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تاسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و بیست و نهم بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی بنام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

فصل دهم - شورای عالی امنیت ملی**اصل یکصد و سی ام**

بمنظور تامین منافع ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱. تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور.
۲. هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
۳. بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- روسای قوای سه‌گانه

- رئیس ستاد کل ارتش

- مسئول امور برنامه و بودجه

- وزیر امور خارجه و کشور

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مجلس شورای ملی قابل اجرا است.

فصل یازدهم - ارتش جمهوری ایران**اصل یکصد و سی و یکم**

ارتش جمهوری ایران عهده‌دار پاسداری و حفظ تمامیت ارضی کشور است.

اصل یکصد و سی و دوم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود.

اصل یکصد و سی و سوم

استقرار هر گونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز باشد، ممنوع است.

اصل یکصد و سی و چهارم

هر نوع بهره برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر آن ممنوع است.

اصل یکصد و سی و پنجم

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

تهیه : گروه تدوین